

ارکان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

دوره جدید - سال ششم - شماره ۲۹

بیمن ۶۶

صفحه ۱۸

کتابخانه ایرانی
Iranische Bibliothek in Hannover

پیام دومین کنگره سازمان به خلق کرد

در صفحه ۳



سر مقاله

بیت المقدس ۲

یا شکست

فتوحات کربلا

طی نخستین روزهای بهمن ماه
سکون حاکم بر جبهه‌های جنگ ترسناک
مجموعه‌ای پراکنده رژیم امرزمای
کردستان شکسته شد و سردمداران رژیم با
براه انداختن هیاهوهای زود به
تبلیغاتی به تکرار اتهامات
رسوای خود مبنی بر کب فتوحات
جدید و با اهمیتی در جبهه‌های

در صفحه ۲

بمناسبت چهل و دومین سالروز
استقرار جمهوری خودمختار کردستان

۲۲ ریبندان

وتجارب آن!

در صفحه ۹



جاودان باد یاد و خاطره ی رشکوه رفقا

مصطفی زارعمند

انور محمودی

صند و قهای مالی و نقش آن در مبارزات کارگران

کرده و تداوم جنگ ارتجاعی بر شدت
این خانه خرابی افزوده است

در صفحه ۲

در جامعه بحران زده ایران
فقر و خانه خرابی، کارگران و
زحمتکشان را به تنه آورده است.
بیکاری، کمبود ما بهتاج عمومی،
کارگران مسخیه بندی، آرزای عمومی،
زندگی را بر تنه‌های زحمتکشان تپا.

چهارم بیمن، ضرورت یک بازنگری مجدد

در صفحه ۱۰

گسترش روز افزون گرانی و فقر در رژیم جمهوری اسلامی

حاکمیت جمهوری اسلامی در روزی تسخیر
که فقر و فلاکت بیشتر از روز پیش زندگی
توده‌ها را ترکام خود فرو نکرده و لسی

در صفحه ۱۲

گرانی و فقر، کمبود ما بهتاج عمومی
در کردستان مرز و بیختر از همیشه فشار
زاتدا لوسفید ابر کارگران و زحمتکشان
خلق کرد و ارمی آورد، اگر چه بر طول

* پیام کمیته کردستان سازمان
کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر)

در صفحه ۱۵

* پیام
کومله یکسانی کردستان ایران

در صفحه ۱۵

هه موو میله نیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه په

از صفحه ۱

بیت المقدس ۲

پاشکست

فتوحات کربلا

جنگ پرداختند . فتوحات کنائی ای که در محاسبات نظامی فاقد هرگونه ارزشیت و کاربرد آن صرفاً در معادلات سیاسی و محاسبات امپریالیستی جهت یافتن راه حلی برای پایان بخشیدن به اوضاع وخیم منطقه ، دارای اهمیت است . چرا که مدتهای متعددی است که لاف و گزافهای سران حکومت مبنی بر امکان فتوحات نظامی اعتبارش را در نزد نزدیکترین متلعین رژیم و حتی برخی جناحهای حکومتی نیز از دست داده است . شکستهای سنگین در کربلاهای ۴ و ۵ اتمام آخرین رمقهای ستگانه جنگی جمهوری اسلامی برای نفوذ در مناطقی بود که پیروزی رژیم در جنگ کنونی تنها در سایه آن امکان پذیر است . ناتوانی مطلق پیشروی جمهوری اسلامی در جبهه جنوب و تخریب مناطق با اهمیت آن ، مهر ابطال هرگونه پیروزی نظامی طی جنگ اخیر می باشد .

اکنون نزدیک به دو سال است که ما این جنگی متورم جمهوری اسلامی در مرزهای ایران و عراق متوقف شده است ، هزینه کمزورکن این ترنم در کنار اضطراب روحی نفرات خود یکی از معضلات لاینحل این جنگ طولانی برای سران رژیم است . پیروزی نیست که سران مایخولیاپی این جنگ دهشتناک در عالم غلبه تلاش می کنند تا همگان را به انتظار حیات « سرنوشت ساز » و فتح قدر « کربلا » در امیدواری نگاه دارند . از بیخ یک مایخولیاپی در جبهه های جنوبی خبر می دهند و با تکیه به ابزارهای مرکب و کنترل راهها ، بوری به منازل و غیره به سربازگیری اجباری دست زده تا نیروی لازم را برای یک حمله دیگر تأمین نمایند . اما

واقعیت توازن نظامی و سیاسی جبهه ها تثبیت شده تر از آن است که دیگر شمارهایی نظیر « فتح کربلا » و غیره (منظور پیروزی نظامی در جنگ) حتی در محافل رژیم نیز به مثابه یک امتراتی واقعی جنگی پذیرفته شود . امروز سرنوشت پیروزی نظامی و « فتح کربلا » کابوس شکستن آرا به جنگی رژیم طی حملاتی نظیر کربلاهای ۴ و ۵ است . تشنه های فزاینده درون حاکمیت بازنمایی از این کابوسهای وحشتناک است . عدم توانایی رژیم جمهوری اسلامی در تغییر توازن کنونی به نفع خود ، و رکود و بن بست تمام غبار جنگ در جبهه های جنوبی جمهوری اسلامی را در شرایط آجری قرار داده است که راه گریزی برای آن متصور نیست . رژیم قادر به ادامه جنگ به شیوه های قبلی نیست و توازن قوای سیاسی و نظامی کنونی نیز تأمین کننده ملج مورد نیاز وی در شرایط کنونی نمی باشد . رژیم نه قادر به ادامه جنگ است و نه به سادگی می تواند به پای قطع آن برود . چرا که اگر سران رژیم در ازایل جنگ می توانستند به بهانه جنگ هر حرکت توده ای و هر اعتصاب کارگری را به خون بکشند ، امروز دیگر این حربه در سرکوب توده ها کار آبرو ، سابق خود را از دست داده و خود به عاملی در جهت تشدید اعتصابات توده ای تبدیل شده است . اگر جنگ بپرازد ، سایه داران و انصار امپریالیستی همواره مزبختی برای به جیب زدن سرمان هنگفت بشمار می رود . اما وضعیت کنونی جنگ تشدید و گسترش روز افزون آن امنیت سرمایه و دول سرمایه داری را در منطقه خاور میانه و مناطق استراتژیک حوزه خلیج به

مخاطره انداخته است . در چنین شرایطی از توازن جبهه ها و جنگ در مرز کردستان به عرصه ای برای تهاجم و به تبع آن تأمین خوراک تبلیغاتی ستگاههای فریب رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردیده است . انتخاب این جبهه و این گونه علیاتهای نظامیها چیز از طریق تحلیل دقیق وضعیت کنونی دو رژیم و روند جنگ نمی توان توضیح داد . اکنون ما این جنگی عظیم در شرایطی که تمام امکانات و نیروهای انسانی فعال در کشور در خطوط جبهه و در جهت آن متمرکز شده است از جنبه سیاسی - اقتصادی و اجتماعی برای هیچ یک از دو رژیم مناسب نیست . این کون باید هر چه زودتر در هم شکسته شده ، جهت تعیینی بخورد بگردد . خواست هر دو رژیم قطعی نمودن این جهت در راستای منافع و سیاستهای مطلوب خرمیهاست . خطوط کلی تاکتیکی نظامی هر کدام از طرفین را باید در وضعیت ، منافع و سیاستهای منتج شده از آن ، جستجو کرد . اگر حکومت عراق برای تحویل صلح و کفایت جمهوری اسلامی به پای میز مذاکرات ، تشعین اقتصادی و تشدید فشار اجتماعی بر رژیم ، اعمال ضربات اقتصادی از طریق جنگ در خلیج و بمباران مراکز نفت خیزه اسکله های بارگیری نفت و کشتیهای حامل آن و تشدید جنگ خرمیها و بمباران مناطق غیر نظامی را به اصلی ترین تاکتیک جنگی خود در این شرایط بن بست تبدیل نموده است ، رژیم جمهوری اسلامی از آنجا که تحویل صلح مطلوب خود را از طریق کسب پیروزی نظامی در جبهه ها به دست عمل منتفی می داند ، تشعین سیاسی رژیم عراق برای تحویل صلحی که حداقل نیازهای جمهوری اسلامی را در پاسخگویی به معضلات و مشکلات عمده سیاسی و اجتماعی بر طرف نماید ، به دست سیاست جنگی خود در وضعیت کنونی

پیام دومین کنگره سازمان به خلق کرد

خلق مبارز کرد

کارگران و زحمتکشان کردستان! جنبش انقلابی خلق کُورده هم اینک یکی از حساسترین لحظات حیات خود را پشت سر می گذارد. کما نیندن جنک ارتجاعی به مرزهای کردستان، گسترش دامنه سیخهای نظامی رژیم در این منطقه، پیروشیهای پی در پی در اول سالیان متعاقباً امروز جنبش انقلابی در کردستان را اگر چه در بسیاری زمینهها محدود ساخته است، اما تداوم نزدیک به یک دهه مبارزه با یکی از هارترین رژیمهای سرکوبگر و بتانسیل موجود در این جنبش را برای تحقق اهداف خود بهیچ برکتگی تمام به نمایش گذاشته است.

علیرغم این همه جنسک به سالهای که در صفوف جنبش خلق کرده ما بین دو نیروی متلقه ای آن در جریان است، بعنوان عامی با زدنارنده ای تنها به اهداف جمهوری اسلامی در کردستان خدمت می کنند جز فرمایش درونی جنبش انقلابی در کردستان هدف دیگری را دنبال نمی کنند. درگیریهای خونین حزب دمکرات و کومه له، که اینک بهیچ

از سه سال از عمر آن می گذرد به عنوان سد و مانعی در گسترش مبارزه انقلابی در کردستان، عواقب زیانبار خود را در عرصه های مختلف به نمایش می گذارد. در شرایطی که لازمه مقابله با جمهوری اسلامی تحرك گزیده در سراسر کردستان است، در شرایطی که رژیم فاشد قدرت لازم در گسترش جنک، و درگیر بحران و ورشکستگی در تمام عرصه ها است این درگیریها مانع وحدت اراده و عمل در صفوف جنبش خلق کرد برای مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان است.

درگیریهای حزب دمکرات و کومه له باید پایان داده شود تا مسیر رشد و گسترش جنبش انقلابی در کردستان هرچه گسترده تر گردد و همه تفنگها به سوی جمهوری اسلامی نشانه رود.

خلق مبارز کرد: با فشاری حزب دمکرات کردستان برادامه این درگیریها، تاکنون عامل تداوم این درگیریها و وضعیت حاصله از آن بوده است. حزب دمکرات کردستان، با با فشاری بر پیش سرهای ضد دمکراتیک خود

تا کنون، کلیه اقدامات نیروهای انقلابی را برای دستیابی به یک راه حل سیاسی جهت پایان دادن به این درگیریها عقیم گذاشته است. برجسته ترین و آخرین نمونه این اقدامات، تانسیهای عش جریبان سیاسی بود که طی نخستین ماههای امسال آغاز گردید و بعد چند ماه با لغزش با خودداری حزب از پذیرش یک راه حل دمکراتیک عملاً به بن بست کما نینده شد.

کنگره دوم سازمان، ضمن تأکید بر ستاوردهای اقدامات عش جریبان سیاسی، معتقد است که چارچوب قلننامه عش جریبان مناسبترین چارچوب برای پایان دادن به درگیریها و ایجاد یک فضای دمکراتیک در جنبش خلق کرد است. ما با تأکید بر مضمون قلننامه فوق، از عموم توده های خلق کرد می خواهیم که با با فشاری برخواست با پایان دادن به درگیریهای بین دو نیرو، امکان تبدیل آن به یک امر عادی در جنبش کردستان را از میان بردارند و با اعتراض علیه سیاست حاکم بر این درگیریها، از حزب دمکرات کردستان بخواهند با پذیرش یک راه حل دمکراتیک درگیریها را پایان بخشد.

از صفحه ۱۲

بمناسبت چهل و دومین سالروز ...

۲۳ ویبه فندان از صفحه ۹

وتجارب آن!

با جنبش سراسری می باشد. این ضرورت را نه تنها جمهوری خودمختار کردستان بلکه تمامی جنبشهای ملی دمکراتیک به اثبات رسانده اند. ستاف بر اینکه امروز با توجه به تحولات اجتماعی - اقتصادی که بعد از سال ۱۳۲۲ بوجود آمد مضمون جنبش لبقاتی کردستان نیز تغییر یافته است.

تجاریبی است که می بایستی امروزه در صدر و بلاهنگمان قرار گیرد و به آموزش عملی در مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان تبدیل گردد. مهمترین این آموزش عملی همانا تأکید بر ضرورت رهبری لبقه کارگر و متشکل کردن کارگران بر تشکلهای توده ای آنان، با زمانهها توده ها و بهیچ جنبش انقلابی خلق کرد

گسترش روز افزون جوانی و فقر ... عمل توده ها را هرچه ممتد تر به سوی مبارزه قلمی با عامل گرانی سوق خواهد داد. گرانی و فقر تنها زمانسب از میان برداشته خواهد شد، تنها آن هنگام به این همه ممانسب بنایمان داده خواهد شد که حاکمیت ستارگانه سرمایه با تمامی ابزارهای جنبشی و سرکوب و غارت آن از میان برداشته شود و حاکمیت دمکراتیک خود توده ها، جایگزین آن شود و کارگران و زحمتکشان خود سرپرست اقتصادی و سیاسی خود را برست گیرند.

جاودان بیدار و خاطره پرشکوه رفقا: انور محمودی و مصطفی زارعین

ناباوری آنچه اتفاق افتاد با تلخی قبول و انقباض برابر بود. سمت ناباوری اتفاق بر انبوه ولایت نیمه تمام و تلخی پذیرش در علمت این ولایت و جایگاه خالی دو تن از فعالترین بهمنندگان آن نهفته است. ناباوری این واقعت تلخ، حیرت چمن انداز و ولایت نیمه تمام کمونتهایی است که رسالت بازاری، انجام و یازمایی مکان واقعی سازمان را بسر دوش می کشیدند که حاصل گشته خوبار و بر تلاش، برنامه و براتیک انقلابی، بهر تبریران شده و تکه تکه کنونی می باشد. اندوه عمیق فقدان رفقا انور و مصطفی تنها در چارچوب اعتقاد مادی و ملموس از ضرورت این بازیابی و نقش آن در روند تحول و تکامل جنبش کمونستی میهنان در مقطع کنونی قابل درک است.

حضور رفقا در سطح رهبری تشکلات، تجسم هر شور تلاش همه رفقای ما در جبران جراحت و ضربات وارده بر سازمان و جنبش کمونستی در فاجعه ۴ بهمن و فقدان کنونی شتاب این جبران است. راز سنگینی این اندوه در نزد ما، اعتقاد و ایمان خالص نابینر تمام رفقای سازمان در به فرجام رساندن این تلاش است. امروز بهنگام باید علق بخشی از ضعفهای خودمان را در راستای این شتاب در فقدان و نبود رفقا جستجو کنیم.

بهیستن رفقا انور و مصطفی همانند میلیونها جوان مبارز و انقلابی به جرگه مبارزه انقلابی با موج وسیع جنبش توده ای در سالهای ۵۷-۵۸ همراه بود. آشنا شدن آنها با اهداف تاریخی طبقه کارگر و لزوم انقلاب رها بهیست کمونستی و از این رهگنر کب مرتزقه طبقاتی و پرولتاریا در متن مبارزه گسترده

توده ها از این دو رفیق بیخبر، کارهای سازمانگر و آگاه ساخت. کمونتهایی که دیگر نه جوانان همراه موج انقلاب که مبلغین و محرکین قلمی تلاطمات و مداخلات انقلابی توده ها بودند. آنها حصول دوران معنی از براتیک جنبش کمونستی میهنان و تجسم نقش رزمنده کمونتها در جنبش انقلابی خلق گرد بودند. این دوران، دوران رشد و شکوفایی جنبش توده ای، حضور میلیونوسی و فعال کارگران و زحمتکشان در عرصه مبارزه طبقاتی است. تجارب ناشی از این حضور، در تلفیق با دانش وسیع اجتماعی و مارکستی علمت توانمندی رفقا و نقش و جایگاه ملموس آنها در تشکلات سازمان بود. رفیق انور یک مبلغ و مروج سیاسی ورزیده و رفیق مصطفی از کارآمدترین فرماندهان نظامی و کارهای اجرایی در پرده ۹ سال فعالیت سازمان در کردستان بودند. چه کسی می تواند فراموش کند صحنه های غرور انگیز حضور رفیق مصطفی در سازماندهی کارگران و زحمتکشان شهر سفندج در جنگ نوروز خونین ۵۸ و با دخالت فعال در تدارک و سازماندهی کوچ اعتراض و توده ای زحمتکشان مرهویان را و با کار عظیم، صبورانه و پر مغالطه انور آهنگام کبه بهکهای سرخ همتا های تشکلات فدائی را در زیر سانسور اوباشان سرمایه در شهر سفندج به پیش می برد. از جنوب تا مرکز کردستان کدام شهر یا روستا، دره یا کوهی است که امروز بادی و از این رهگنر لاله و ناغی از حماسه های بی دروغانه این رفقا در تمام عرصه های مبارزاتی در دل خود نداشته باشد؟ آنها انقلابیون سازمانگر

بودند که انقلابگری سازمانگرایان عمدتاً محمول حضور مداومشان در زندگی و مبارزه زحمتکشان، زیستن با رنجها و مائبه آنان و مشارکت و رهبری در مبارزاتشان بود. اما اشتباه است اگر گمان کنیم برجستگی نقش رفقا انور و مصطفی در سازمان و کمیته کردستان آن مختص به این قابلیتها بود. رفقا علاوه بر توانمندی بالای تشکلاتی در بعد سیاسی نیز از جمله رفقا، برجسته تشکلات ما و تلاش بهگنرشان در بالابردن ایدئولوژی و فعالیت سیاسی سازمان یکی از عرضه های دائمی فعالیت آنها بود. حضورشان در تحریریه "رهگای که ل" و "رادپو صدای فداوسی" بیان گوشت ای از این نقش می باشد. فعالیت در اصول و خط و مشی رمز قلمت موضوعگیری آنها برابر هر گرایش به اسورتونسی در طی سالهای اخیر بود. در مقابل وسیع مختلف در برابر تنشهای سیاسی ایدئولوژیک نرون سازمان همواره ستونهای بودند که اصالت پرولتاری خط سازمان بر آنان تکیه داشت. انقباض اکثریت، مانع و ایتامی انحرافات مرکزیت بورکراتیک بر گسترش فعالیت سازمان و در روند خود فاجعه ۴ بهمن نقاط آزمون و جلوه هایی از میزان استواری این ستونها بودند.

هنگامی که در فروردین ماه ۶۶ پیش نویس قطعنامه ها و دستور جلسات کنگره دوم سازمان در اختیار اعضای تشکلات قرار گرفت از جمله نخستین و در عین حال فعالترین رفقای ما بودند که به بررسی و بحث بهرامون این قطعنامه ها، تمحیح و تدقیق آنها پرداخته و حاصل این تلاش بهگنر که متأسفانه بسیار کوتاه به ترازا کشید جزوات مکتوبی است که از رفقا در این مورد برجای

جاودان باد یاد و خاطره پرشکوه رفقا ...

رفیق انور محمودی در سال ۱۳۳۶ در شهر سقز متولد گشت. دوران تحصیلی خود را در همان شهر گذراند و سپس وارد انستیتوی فنی کرمانشاه شد.

رفیق انور به علت آشنائی با محیط کار و زندگی زحمتکشان، با درد و رنج آنها نیز آشنا گشت و به صفوف مبارزه علیه ظلم موجود برخاست. او در ادامه همین تلاش او در سالهای ۵۷ - ۵۶ با عناصر مبارز و محافل روشنفکری پیشرو در ارتباط قرار گرفت. و با اوج گیری مبارزات توده‌ها، در تظاهرات مردم شهر سقز نقش فعالی ایفا نمود.

رفیق انور، بدنبال سرنگونی رژیم پهلوی و ایجاد دفا تر علنی سازمان، با پیوستن به دفتر عواداران سازمان در شهر سقز دست به فعالیت گسترده زد.

رفیق انور با شروع جنگ اونی و تصرف شهر سقز بعد از اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد، در بخش تشکیلات مخفی شهر سازماندهی گردید و وظایف انقلابی خود را تا تصرف مجدد شهر سقز توسط نیروی پیشمرگه به نحو احسن به انجام رسانید.

رفیق انور در دوره بعد از یورش اول رژیم به کردستان نیز همچنان بعنوان یک چهره مهم وظایف مهمی را بعهده گرفت. دفتر سازمان در این دوره تحت عنوان "دفتر پیشگام" فعالیت می نمود و در بخش تبلیغات و انتشارات و نیز کمیته محفاتی فعالیت می کرد. رفیق انور بویژه در سازماندهی معلمین روستاها فعالیت ارزنده ای را به انجام رسانید و شایستگی خود را در جنب و سازماندهی پیشروان این بخش از فعالین در کمیته محفاتی سازمان، به اثبات رسانید. با شروع جنگ دوم کردستان

رفیق انور دوباره مسئولیت تشکیلاتی داخل شهر را بعهده گرفت. و در عین حال وظایف ارتباط با تشکیلات پیشمرگه و تأمین تدارکات آنها را عهده دار گردید. بدنبال انفعال بزرگ در سازمان و ارتداد اکثریت، رفیق انور به مبارزه علیه سیاستهای ابروتونستی و خائنهانه اکثریت برخاست و به افتخار و طرد آنها پرداخت و به صفوف اقلیت پیوست و در سازماندهی تشکیلات داخل شهر نقش بسزایی داشت.

رفیق انور اواخر سال ۶۰ به علت شناسائی رژیم، مجبور شد شهر را ترک کند، اما همچنان مسئولیت هدایت همه مای داخل شهر را بعنوان یکی از اعضای کمیته ارتباطات، بر عهده داشت.

در اوایل سال ۶۲، رفیق انور علاوه بر مسئولیت تشکیلات شهر سقز، مسئولیت سازماندهی تشکیلات مخفی سازمان در کلیه شهرهای کردستان را بر عهده گرفت. و بار این مسئولیت تا اردیبهشت سال ۶۳ بر دوش او بود. در این تاریخ و به دنبال برگزاری کنفرانس اردیبهشت ماه سال ۶۳، به عضویت در کمیته کردستان در آمد. و پس بعد از چند ماه و در جریان یک درگیری تشکیلاتی با کمیته مرکزی از عضویت کمیته استعفا نمود.

بعد از فاجعه ۴ بهمن، رفیق بعنوان یک چهره شناخته شده در جنبش انقلابی خلق کرد، و به عضویت برجسته سازمان ما، جزو آن دسته از رفقای بر تلافی و ارزنده بود که در بازسازی تشکیلات سازمان و طرد عوامل، بهمن نقش حاسم و مهمی را ایفا نمود.

رفیق انور بعد از ۴ بهمن بمنابسه عضو کمیته کردستان کار فعال و موثری را در پیشبرد اهداف سازمان به انجام رسانید. او بعنوان عضو کمیته کردستان و عضو کمیته

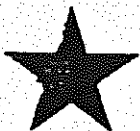
اجرائی آن مجامع خاص خود را در سازمان ما داشت و نقطه اتکالی برای کلیه رفتای تشکیلات ما بود.

رفیق انور در زمستان سال ۶۵ با توجه به نقش حاسم و توانایی های سیاسی و تشکیلاتی، به عضویت هیأت تحریر مرکزی بعنوان عضو مشاور شورای عالی سازمان انتخاب شد.

رفیق انور، در تمام طول حیات مبارزاتی خود، بویژه بعد از جریان انفعال و ارتداد اکثریت، نقش فعالی در ارتباط با انتشار ریگای گول ارگان کمیته کردستان داشت. بحق می توان گفت که یکس از پیگیرترین رفقای ما در تلاش برای حفظ ادامه کاری این نشریه و ارتقاء کیفیت آن بود. او از سال ۶۱، بکرات در حوزه های زیر تحریریه ریگای گول سازماندهی گشته بود، و از سال ۶۳ به عضویت تحریریه این ارگان در آمده بود و بعد از فاجعه ۴ بهمن از طرف کمیته کردستان مسئولیت اجرائی هیأت تحریریه این ارگان و انتظار این نشریه را عهده دار گشته بود.

از دیگر وظایف رفیق انور، در یکساله اخیر، پذیرش آموزش نیروی پیشمرگه کمیته کردستان بود. سازمان ما، با از دست دادن رفیق انور محمودی یک کمانه برجسته کمونیست، یک سازمانگر، مروج و مبلغ توانا را از دست داده است. رفیق انور، در تمامی عرصه های فعالیت سازمان در کردستان توانائی و شایستگی خود را در عمل به اثبات رسانیده بود و در پیشبرد کار ارگانهای مرکزی سازمان نیز نقش شایان توجهی داشت.

یانش گرامسی،
رافض پیردوام
و آرماتش پیروز باد!



جاودان باد یاد و خاطره یوشکوه رفقا...

جمله می توان مقابله با یورش رژیم به مناسبت " گمشورک ۲ مهاباد " حذک " گلوان " به آتش کشیدن پایگاه " قاقازو " و ... را نام برد. اما طولی نکشد که اختلافات او با کمیته مرکزی منجر به استعفايش گردید و رفیق منافی مجبور شد ، در شهریور ۱۳۲۷ عضویت سازمان استعفا دهد . رفیق تابستان ۶۳ مجدداً در کمیته کردستان سازمانی گردید و مسئولیت اجرایی مقر مرکزی کمیته کردستان را عهده دار گشت . بعد از سرگیری ۲۵ آبانماه حزب دمکرات و کومهله در اورامان جزو هیأت تحقیق کمیته کردستان بود و نقش فعالی را در تحقیق و تهیه گزارش این سرگیری ایفاء نمود .

رفیق مصطفی اولین رفیق بود که در جریان فاجعه چهارم بهمن مورد اصابت گلوله قرار گرفت و از ناحیه چشم شدت زخمی شد . عوارض این جراحت تا لحظه شهادت همواره وی را رنج میداد و علیرغم تمام ناراحتی های جسمی از جمله رفقای بود که با فعالیت مداوم و تلاش همه جانبه ، تشکیلات سازمان بعد از فاجعه چهارم بهمن را با یاری سازی نمود . در اسفند ماه ۶۷ مجدداً مسئولیت بخشی از روابط خارجی سازمان را بعهده گرفت و علاوه بر این در مرداد ماه ۶۸ عضویت کمیته کردستان و در زمستان همان سال به عضویت تحریریه ریگای که ل انتخاب شد . وی که تا آخرین لحظات زندگی مبارزاتی در انجام کلیه وظایف و مأموریت های تشکیلاتی خود و علیرغم ناراحتی ها متعدد جسمی اش کوشا بود ، سرانجام حين انجام آخرین مأموریت تشکیلاتی خود ، جهت تدارک فعالیت بهسرگان فدائی در شمال کردستان به همراه رفیق انور محمودی به اسارت برآمده و تهر باران شدند .

یاد این دو رفیق برجسته کمونیست ، این جانباختگان راه سوسالیم را در مبارزه علیه استثمار و بندگی پاسداریم .

رفیق مصطفی آنها را فرماندهی می کرد در جنگ شهر مریوان شرکت نمود . طی این جنگها تپه " شیخ حسن " و " گرده ریز " مریوان بارها عرصه جارت و شهادت این رفیق کمونیست و فرمانده دلیر فدائیان بود .

در همین مقطع و به دنبال خیانت اکثریتها ، رفیق مصطفی از نخستین رفقای بود که قائلانه در برابر خط ایورتونیستی اکثریتها استناد مبارزه علیه خط رفیقیت ایورتونیستی اکثریت عرصه دیگری از مبارزه کمونیستی بود که رفیق همواره از مقاومترین و استوارترین رهبران آن بشمار می رفت .

رفیق مصطفی بعد از خیانت اکثریتها ، در باز سازی تشکیلات سازمان و نیروی بهسرگ آن در کردستان نقش بسزایی ایفاء نمود و عملیات های متعددی طی این دوره شرکت کرد . در سال ۶۰ یکی از فرماندهان برجسته نظامی سازمان بود و در همین سال به عنوان کمیته کردستان درآمد . وی نه تنها یکی از ارزنده ترین فرماندهان نظامی سازمان بشمار می رفت ، بلکه از جمله توانا ترین کادرهای سیاسی سازمان در کردستان نیز بود . مجموعه این شایستگیها وی را در سال ۶۱ در کمیته روابط خارجی سازمان ، قرار داد . در همین زمان مصطفی به همراه رفیق سعید رحمتی و سایر رفقا ، مبارزه ای سخت علیه لیبرالیم حاکم بر کمیته کردستان به پیش برد و در اوایل سال ۶۲ و پس از اخراج مهدی سامع از سازمان به کردستان بازگشت و مسئولیت نظامی کمیته کردستان را بعهده گرفت . طی این دوره علاوه بر بازسازی مجدد تشکیلات بهسرگه ، عملیات های متعددی را فرماندهی کرد که از

رفیق مصطفی زار شدند ، در سال ۱۳۳۶ در بلك خانواده متوسط در شهر سقز متولد گشت ، تحصیلات ابتدائی را در سقز و تحصیلات متوسطه را در شهرهای سنندج و تبریز به پایان برد .

رفیق مصطفی از سال ۵۳ بدلیل ارتباط با محیط دانشگاه ، با دانشجویان مبارز دانشگاه تبریز و مسائل سیاسی آشنا گردید . در سال ۵۵ در ادامه این روند با یکی از همتهای هوانا سازمان در مریوان در ارتباط قرار گرفت و در بخش اعلا میه ها و عبنامه های سازمان فعالانه شرکت جست در جریان همین فعالیتها بود که با رفقای همچون " جلیل حواری " و " آشنا " گردید .

رفیق مصطفی با اوج گیری جنبش توده ای در سال های ۵۷ - ۵۶ فعالانه در این جنبش شرکت جست و بعد از قیام ارتباط خود را با سازمان نزدیکتر ساخت .

در جنگ نوروز خونین ۵۸ در سنندج فعالانه شرکت جست و هنگام راهپیمایی اعتراض مردم سنندج به سوی مریوان یکی از فعالین و سازماندهندگان این راهپیمایی بود .

در جنگ سه ماهه کردستان وی در هتهای مقاومت شهری در شهر سنندج سازمانی گردید و در چندین عملیات نظامی علیه مراکز رژیم و مزدوران سرمایه شرکت نمود .

شایستگی رفیق ، طی جنگ سه ماهه ، وی را به ست فرماندهی یکی از تیمهای نظامی بهسرگان فدائی در منطقه مریوان ارتقاء داد . با یورش مجدد ارتجاع به کردستان ، رفیق از طرف تشکیلات مریوان به سنندج انتقال و در جنگ یکماهه شهر سنندج فعالانه شرکت نمود . پس از تخلیه شهر همراه دسته ای از بهسرگان که

صندوقهای مالی و نقش آن در مبارزات کارگران

به شمار می آید. از همین رو بوجود آوردن صندوقهای مالی را نیز یکی از اشکال ابتدائی تشکیل سیاسی کارگران می دانیم.

در شرایطی که فقر و گرانساز بیکاری و کمبود مایحتاج عمومی گریبانگیر کارگران و تودههای زحمتکش را گرفته، ایجاد صندوقهای مالی علاوه بر نقشی که در مقابله با این وضعیت فلاکتبار دارند، بعنوان کانونی برای تشکل کارگران نیز بشمار می روند. و به وجود آوردن آن در هر کارخانه و کارگاه و حتی محلات کارگری امری امکان پذیر است.

تا کنون در جنبش کارگری ایران با نمونههای زیادی از بوجود آوردن اشکال متفاوت صندوقهای مالی مواجه بوده ایم که کارگران عمدتاً برای کمکهای متقابل به یکدیگر به برپایی آن روی آورده اند. گاهی اوقات کارگران ملیتهای مختلف و یا حتی شهرهای گوناگون، گرد هم جمع می شوند و با در میان گذاشتن مبلغی معین صندوق مالی را بوجود می آورند. نظیر صندوقهای مالی ترکها، کردها و غیره. چنین صندوقهایی در ابتدای شکوفایی خود صرفاً جنبه همیاری و تعاون را به خود گرفته بودند که نمونههای بسیاری از آنها همچنان پایدار مانده اند. برای شناخت بیشتر نقش صندوقها و چگونگی ارتقاء آن به ارگانهای مبارزاتی به چگونگی پیدایش صندوقهای مالی می پردازیم. مبارزات متشکل کارگران از هنگام بحران های اولیه رشد سرمایه داری شروع به رشد نمود. دورانی که تولید اضافی جامعه را فرا گرفته بود و رکود بازار حردم بر شدت بحران می افزود. نتیجه این شرایط بحرانی، وضعیست زندگی کارگران را هرچه وخیم تر

روستاها، بر شدت این همه ویرانی افزوده است. در شرایط بیکاری و گرانی سرام آور، توده های وسیعی از اهالی کردستان، از فرط بیکاری و برای تأمین حداقل معیشت زندگی خود به کارهای موقت و ناپایدار و حتی دستمزدها اند و به یک کلام فقر و فلاکت، قحطی و گرانساز زندگی توده های زحمتکش کردستان و بویژه کارگران را تپا کرده است.

برای رهایی از این وضعیت مشقت بار باید بپایاخت. هیچ دست غیبی در کار نیست. خود کارگران و زحمتکشان باید راه چاره ای برای خلاصی از قیدم و استثمار را بیابند و راه این خلاصی جز مبارزه متحد و یکپارچه علیه نظم استثمارگرانه سرمایه جیسز دیگری نیست. فقدان چنین اتحاد همواره یکی از اساسی ترین معضلات کارگران در مبارزات خود بوده است. نبود وحدت مبارزاتی در میان کارگران خود بخود مکتول بدبختی و فلاکت آنها و تداوم این شرایط وخامت بار زندگی می باشد. پس باید به این پراکندگی و تشتت پایان داد. ما پیرامون ضرورت برپایی تشکلهای کارگری که میتوانند در شرایط کنونی و با توجه به وضعیت خود ویژه کردستان بوجود آیند (در شماره گذشته ریگای که ل) صحبت کردیم و بر مناسبترین طرف چنین تشکلی یعنی برپایی کمیته های کارخانه تأکید نمودیم. اما برپایی کمیته های کارخانه نه محتایه تنها تشکل بلکه بعنوان مناسبترین شکل تشکل پذیری کارگران برای پیشبرد مبارزات اقتصادی- سیاسی کارگران

چند که تنها وسیله ای برای رهایی رژیم از بحران بوده، امروز به معنای برای رژیم تبدیل شده است و مرتجعین حاکم نیز تمامی تلاش خود را بکار بسته اند تا عوارض ناخوشایند این معضل را بر دوش توده های کارگر و زحمتکش سرشکن نمایند. تمامی درآمدها در خدمت جنگ قرار گرفته است و کلیه هزینه هایی که می بایستی برای تأمین حداقل نیازمندیهای زندگی توده ها صرف شود به تداوم این جنگ ارتجاعی اختصاص داده شده است. بیکاری ناشی از جنگ ویرانی مراکز صنعتی و موسسات تولیدی، تعابلی بسیاری از کارخانجات به دلیل جنگ همگام تأثیرات خود را بر زندگی توده ها بجای گذاشته است. امروز کمتر کارخانه و مؤسسه تولیدی را میتوان یافت که به روال طبیعی به تولید کالا و خود امانه دهد. کمتر کارخانه ای را میتوان نام برد که با تعدادی از کارگران آن اخراج نشده باشند و یا اینکه کارخانه بلور کلی به تعاملی کشیده نشده باشد. این سیاهی واقعی جامعه بحرانی تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است.

تعمید چنین وضعیت فلاکتبار اقتصادی در مناطقی همچون کردستان دامنه وسیعتری دارد. شرایط سخت بار زندگی توده های زحمتکش کرد از بدو پرورش و حیثاً نه مزدوران سرمایه به کردستان، بهی از همیشه به وخامت گرائیده. کشتار و ویرانی شهرها و روستاهای کردستان به سیاست عملی رژیم مبدل گشت و کنا نهاده شدن جنگ ارتجاعی به مرزهای کردستان، بمباران شهرها و

ضد و قهای مالی و نقش آن ... از صفحه ۷

می کرد و باعث به مطلق گرانیده شدن مستمر کارگران غیر متکامل می گردید. در بان چنین شرایطی بود که تشکلهای توده ای کارگران از جمله سندیکاها و اتحادیه ها پدید آمدند. مبارزات رو به گسترش کارگران، متکامل آنان در ارگانهای مستقل خود، لایحه کارگر را به نیرویی عظیم در مقابل قدر قدرتی سرمایه تبدیل نمود. دیگر سرمایه داران نمی توانستند، کارگران را به راحتی به استثمار بدهد تطبیق نمایند. نتایج پیروزمند مبارزات کارگران در هر نبرد طبقاتی علیه نظم سرمایه به همراه تجارب مبارزاتی با ابتکارات کارگزاران تمام کشورها و عت یافت. ایجاد تشکلهای توده ای کارگران و در عین حال رشد و ارتقا. آگاهی طبقاتی کارگران باعث گردید تا طبقه کارگر به شیوه های گوناگون به مبارزه با سرمایه دست زنند. در چنین شرایطی است که کارگران با تشکیل صندوقهای تعاون که گاه به آن "بول مقاومت" نیز می گفتند، مبارزه یکبارجه در متحد خود را علیه بسوزروازی گسترش دادند. تجربیات مبارزاتی کارگران باعث رشد تشکلهای توده ای گردید و هر کدام از اینگونه تشکلهای در مبارزات خود دستاوردهای بیشتری بدست آوردند.

همانطوریکه سندیکاها در ابتدا ز پدید آمدن خود، پشابه صندوقها و با انجمنهایی شناخته می شدند که هدفشان تعاون متقابل بین کارگران بود. صندوقهای مالی نیز بر این مبنا پا گرفته اند. برپایی چنین تشکلهایی در ابتدا نه توسط عنصر آگاه و کارگران کمونیست، بلکه توسط توده کارگر بوده است. تنها در روند مبارزاتی خود و پیوند

هدف از تشکیل صندوقهای مالی را صرفاً برای همکاری و همیاری میان کارگران ثابتی کنیم. جهت تکاملی حرکت آنها در نظر نداشته باشیم، نه تنها نمی توانیم سخنی از مبارزه ایجابی و ضرورت سرنگونی نظام سرمایه به میان آوریم، بلکه به دنبال روی از حرکت خود بخودی کارگران می افتیم و در عین حال زنجیر شوم و استثمار را بر پای کارگران همچنان محکم نگه می داریم. بر همین اساس باید صندوقهای مالی دو هدف مشخص و در عین حال لاینفک را به پیش ببرند، نخست ایجاد تعاون و همکاری در میان کارگران، تأمین حداقل نیازمندهای کارگران توسط تشکلهای دیگرانه خود، کمک به کارگزاران کم درآمد، غیر متحصن و بیوزره به کارگران بیکار و بالاخره بوجود آوردن پیوند میان کارگران هدف دوم که بر مبنای هدف اول می تواند تحقق یابد، میسرود مبارزه ای متحد و یکبارجه در تمامی عرصه های مبارزاتی است. کمونیستها و کارگران پیشرو باید بر اهمیت تحقق چنین هدفی تأکید کنند.

ویژگی تشکیل صندوقهای مالی در این است که بر خلاف دیگر تشکلهای توده ای میتواند علاوه بر مراکز تولید، در محلات کارگری نیز تشکیل گردد. اینگونه محلات در شهرهای کرستان بسیار است، محلاتی همچون محال آباد قزو، حاجی آباد سنندج و محله باغ شاهگهان مهاباد و ... در این مناطق عمدتاً کارگران و دهقانان فقیر و خوش نشینان روستاها زندگی می کنند. در اکثر این مناطق نه از آب و برق خبری است و نه از مدرسه و درمانگاه تا کنون زحمتکشان این مناطق برای تأمین حداقل امکانات زیستی اعتراضات گسترده ای را به پیش برده اند. از آنجائیکه پدید آمدن مناطقی نظیر محال آباد قزو و حاجی آباد سنندج در هر محروم ناگزیر توده های فقیر شهرها و روستاهای

این مسائل ایجاد یک راه آسان در مبارزه اندیش زمینها و مبارزه و اعتراض در مسائل تمرکز بر مبارزه و بران کردن خانه های کارگران مبارزه برای کسب حداقل زندگی است. این ویژگی که در کمونیسم همیاری به معنیگر، از امکانها مالی گرفته تا ساختن منازل یکدیگر خود را نشان می دهد، زمینه ساز مناسب برای تبدیل روحیه مقداری و همیاری آنان به اتحاد و مبارزه مشترک در دیگر عرصه های مبارزاتی است. در این مناطق در وهله نخست پدید آوردن صندوقهای مالی بعنوان یکی از اشکال تقویت روحیه همبستگی کارگران و گردآوردن آنان حول یک موضوع منجر است.

هم اکنون در بعضی از مناطق کارگری کرستان صندوقهای مالی تشکیل یافته است، اما آنچه کارگران پیشرو و رهبران عملی تشکیل دهنده این صندوقها باید در نظر داشته باشند، گسترش فعالیت خود از محدوده عملکرد صندوقهای مالی به دیگر عرصه های مبارزاتی است. هر چند هر قسمی که کارگران در جهت رفاه و آسایش بهتر بردارند و بتوانند خواستهای خود را بر رژیم جمهوری اسلامی تحمیل نمایند، بنوبه خود حرکتی مفید و بر اهمیت است، لیکن محدود گشتن به این معضلات نیز نمی تواند معنی اساسی کارگران را حل نماید. درکی که بخواهد از تشکیل صندوقهای مالی صرفاً جنبه اقتصادی آنها در نظر گیرد و به این اکتفا کند که با تشکیل چنین صندوقهایی، نیاز اقتصادی برود کارگران کمتر خواهد بود، درحقیقت نه درکی از نظام سرمایه داری و چگونگی نهادن آن دارد و نه سوسالسم و انقلاب اجتماعی را درک کرده است.

بر اساس آنچه که پیرامون اهداف و ضرورت تشکیل صندوقهای مالی گفتیم، کارگران پیشرو و کلمه فعالین جنبش کارگری باید تلاش نمایند که صندوقهای مالی را در هر

چهل و دومین سالروز استقرار جمهوری خودمختار کردستان

۲۴ روزه زندان

و تجارب آن!

با فرا رسیدن ۲ بهمن، چهارم و دوازدهم از استقرار جمهوری خودمختار کردستان سیری گشت، چهارم و دو سال پیش توده‌های وسیعی از زحمتکشان کردستان، علیه ارتجاع حاکم و استبدادی به حق تعیین سرنوشت بپا خاستند و با اعظم جمهوری خودمختار در شهر مهاباد یکی از آرزوهای دیرینه خلق کرد را متحقق ساختند. هر چند عمر این جمهوری کوتاه بود و بیشتر از یازده ماه نتوانست تداوم یابد و سرانجام با لشکرکشی‌های فاشستی حکومت مرکزی به شکست کشیده شد. اما تجربه گرانقیزی که از بهر روزی و شکست آن بجای ماند با بامد همواره بهیمن روی کارگران و زحمتکشان کردستان قرار گیرد.

استقرار جمهوری در مهاباد محصول وضعیت خاصی از شرایط اقتصادی - سیاسی جامعه ایران بود. شرایطی که بعد از تحولات شهریور ۱۳۲۰ بوجود آمده بود و ناتوانی حکومت مرکزی در تثبیت سلسله شتم و استثمار به همراه گسترش بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را بدنبال خود نداشت. بطوریکه با پایمان یافتن جنگ جهانی دوم، حکومت مرکزی قادر نگشته بود، برای رونق سرمایه آرا مش لازم را تأمین نماید. در کنار چنین وضعیتی، گرانی، قحطی و کمبود مایحتاج عمومی توده‌ها علت یافته و اعتراضات توده‌ای کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران اوج یافته بود. جنبش ملی در کردستان در متن چنین شرایطی و بر بستر عقب -

ماندگی اقتصادی - اجتماعی ناعی از استبداد حکومت مرکزی شکل گرفته و مداوماً گسترش یافت و با خلق سلاح مسز دوران سرکوبگر حکومت مرکزی در دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ جمهوری در شهر مهاباد اعلام گردید. و بسط نقله عطفی در تاریخ مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش کردستان تبدیل شد.

جمهوری خودمختار علیه رژیم اینک نتوانست در مدت استقرار خود یکسری اقداماتی که عمدتاً کارهای فرهنگی بود انجام دهد اما ناری نفعهای اساسی و متعددی بود که باعث برهم شکستن آن گردید. مهمترین ضعف جنبش ملی کردستان فقدان رهبری طبقه کارگر بود. یافتن اقتصادی - اجتماعی کردستان و عدم رشد و گسترش سرمایه‌داری در کردستان باعث گردیده بود که کردستان در عقب ماندگی اقتصادی بر برد و همین عقب ماندگی خود بحود باعث عدم حضور طبقه کارگر در کردستان گردد. بویژه اینک با عدم حضور فعال کمونیستها در این جنبش همراه بود.

جنبش ملی کردستان در سال ۱۳۲۴ با چنین وضعیتی روبرو بود. از یکطرف نیروهای جنبش ملی که تشکیل می دادند عمدتاً معانسان فقیری بودند که سالها متمدادی زیر غلغ فئودالها ناکزیر بودند به طاقتفرساترین کارها تن نهادند و از طرف دیگر فئودالها و روحانیون و بازاریبان بودند که رهبری این

جنبش را به عهده داشتند. جنبشی که رهبری آن در دست جنبش سواستهای توده‌های زحمتکش را متحقق سازند. ارگانهای اقتدار توده‌ای را بوجود آورند و به تسلط هدگانی آنان بپیردازند. عاملی که فقدان آن یکی از دلایل شکست جمهوری خودمختار بود.

در کنار چنین وضعیتی مهربانات کمونیست و انقلابی سراسری حضور نداشتند که بتوانند رهبری و هدایت آنها پر دست گیرند و با آنها تحت تأثیر خود قرار دهند. تنها مهربانی که تحت نام چپ حرکت می کرد، حزب توده بود که با تفکرات رفرمیستی نمی توانست چنین رسالتی را بر عهده گیرد و به نرحام موفقیت آمیز برساند. بلکه با عیان تذکرات بود که رهبری جنبش آنرا بجان و جنبش کارگری سراسری را بر عهده داشت و سرانجام در نتیجه سازشکارانهایی با حکومت مرکزی باعث به شکست کشاننده شدن آنها گردید.

از آن گذشته جنبش ملی فقط در محدوده، کردستان خورا خلاصه کرده بود و هیچگاه نتوانست با جنبش سراسری پیوند حاصل نماید. حتی به موازات جنبش ملی در کردستان که جنبش آنرا بجان نیز با گرفته بود، نه تنها نتوانست پیوند مستحکمی با آن بوجود آورده بلکه گاه اختلافاتی فی مابین آنها بروز می کرد که باعث دوری چنین هرچه بیشتر آنها از همدیگر میگردد. از طرفی جمهوری خودمختار خود را تنها به شهر مهاباد و چند شهر دیگر بجز شهرهای جنوبی کردستان محدود کرده بود و نتوانست از این محدوده فراتر رود.

هنگامی که امروز به بررسی جمهوری خودمختار کردستان می پردازیم، بررسی آن عللی است که منجر به شکست آن گردید و بکار بستن آن

چهارم بهمن، ضرورت یک بازنگری مجدد

دو سال از فاجعه چهارم بهمن گذشت، فاجعه‌ای که علی‌الآن پنج تن از احضا و عوالتاران سازمان عرفقا: رفیق کبیر عباس پرولتر - عادی سکاوه - اسکندر و حسن خان خود را از دست دادند. فاجعه‌ای که نه فقط برای سازمان، بلکه برای جنبش کمونیستی ایران گران بود. در نتیجه همین فاجعه تنها پنج تن از نیروهای سازمان از دست رفتند، بلکه ضربه سنگینی بر بیکره سازمان وارد آمد که عوارض چنین ضربه‌ای راهمگان به عینه مشاهده می‌کنیم. از دست رفتن بخش‌های مهمی از امکانات سازمان و سرگردان شدن نیروهای صلیق و فعال آن از جمله نتایج تبعی این روند بود. در اوایل رخداد این واقعه تأسف بار همه انجان به جستجوی علل و ریشه‌های آن بودند. اما برآستی فاجعه چهارم بهمن محصول چه بود؟ آیا هیچ امکانی برای جلوگیری از بروز چنین اتفاقی نبود و یا اینکه نتیجه منطقی روندی بود که می‌بایستی سرانجام به فاجعه بینجامد؟ آیا واقعا یک طرف عناصر بورژوازی قرار گرفته بودند و در سوی دیگر نمایندگان واقعی پرولتاریا و چهارم بهمن روز نبود. لایقانی این دو لایقه متخاصم بود؟ و یا اینکه اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک مجرای اصلی خود را که همانا مبارزه ایدئولوژیک باشد، نیافت و توسل به اسلحه راهی برای حل این اختلافات گردید. این سؤالات و نهما سؤالی نلیران ذهن هر نیرویی که خبر چنین حادثه دردناکی را شنیده بوده به خود مشغول می‌ساخت و هر کسی در کنکاش آن بود تا توجیحی برای قناعت خود بیابد. در این میان نیروهای سیاسی و بویژه ما و کمیته

مرکزی پختان زیادی گفته‌ایم و گاه‌آ (عمدتاً از طرف کمیته مرکزی) برای هدبگر القاب متعددی یافتیم. بنا حقانیت خود را به اثبات رسانیم. اگر از حیطه مسائل حقوقی فاجعه و اینکه چه کسی اول ضلعت کرد و با اینکه آنها هدف تحمیر رادیو صدای فدائی بود؟ بگذریم، (در این مورد کمیسیون تحقیق آنچه که واقعیات بود اظهار نمود) روند دو ساله بعد از فاجعه و آشکار شدن بسیاری از مسائل مورد اختلاف روشن شدن خط و مرزها به همسراه واقعیات سرخست تاریخ یعنی عنصر آگاه و کمونیست و هر جریان انقلابی را وامی‌دارد تا آنچه باعث تکوین و تکامل فاجعه چهارم بهمن گردیده، بیان کند.

آنچه مسلم است فاجعه چهارم بهمن انعکاس شرایط و ویژگی‌های خاصی از جنبش چپ و محصول شرایط مادی معینی در درون سازمان ما بود. ویژگی که زمینه‌رشد انحرافات گوناگون در جنبش چپ گردید و بازتاب آن نه فقط در سازمان فدائی، بلکه در کلیه جریانات چپ در اشکال گوناگون و به میزان معینی شاهد هستیم. بحران سازمان بیانگر وجود همین انحرافات بود و فاجعه چهارم بهمن بر بستر همین انحرافات شکل گرفت. انحرافات که فقط در محدوده ایدئولوژیک و سیاسی خلاصه نمی‌شد، بلکه در زمینه تشکیلاتی نیز خود را نشان می‌داد. دیدگاه عموم خلقی زمینه‌گرد آمدن هر نوع گرایش بود و چنین تفکری راه نفوذ چپ و راست را باز می‌گذاشت، بی‌جهت نبود که از سازمان فدائی، یک گرایش بسوی حزب توده راه می‌افتاد و یک گرایش دیگر نمی‌توانست در مقابل با ترسوسال اسرپالست مرزبندی

داشته باشد. یک گرایش انقلابی دسکراتیک‌را نفی می‌کرد و تفکرات ترولتکسنی را اشاعه می‌سود، تفکری دیگر به نفی هژمونی پرولتاریا در انقلاب دسکراتیک می‌رسند و رسد بود تا پرولتاریا را به دنیاالرووی از بودژوازی بکنانند. وجود چنین گرایشات متضادی در درون تشکیلات سازمان را در روند مبارزه طبقاتی به سوی انشعابات مکرر سوق داد. دیدگاه عموم خلقی و نفی اشتغال طبقاتی پرولتاریا در عرصه تشکیلاتی به مخلیسم و دوری از مناسبات حزبی می‌خلتید و سازمانی طبقه کارگر و گشای راه کارگران به درون سازمان را از دستور کار خارج می‌ساخت و خود را در سکت بستهای محدود می‌نمود. به همین خاطر اگرچه در حرف و نوشتجات به اهمیت سازمانی پرولتاریا برای پیروزی انقلاب تاکید می‌کرد، اما هیچگاه یک کام عملی در این جهت بر نمی‌داشت.

از همین رو فاجعه را نمی‌توان حدا از بحران سازمان بررسی نمود. شدت این بحران اگرچه در سازمان فدائی از سایر جریانات چپ بیشتر بود و باعث انشعابات متعددی در آن گردید، ولیکن منحصر به سازمان فدائی نبوده و نیست، بلکه دامنگیر جنبش کمونیستی ایران نیز گردیده است چنانچه بجای پیده‌یابی از عوامل بحران و نقد گرایشات انحرافی، به سرپوش گذاشتن عملکرد این گرایشات بپردازیم، واقعیاتی را اکتار نموده‌ایم که در هر گروه و سازمان سیاسی و در سازمان ما به دردناکترین شکلی خود نمایی نمود.

اعتراف به آنچه که گفت همراه با شناخت دقیق و همه جانبه از عواملی که باعث بروز فاجعه گردید، تضمینی برای حرکت آینده می‌باشد. اگر امروز نه فقط ما بمانایه بخشی از سازمان، بلکه نیروهای لایق اقلیت قادر به شناخت واقعی فانونمندیهای آن نشده باشیم، قاناً نمی‌توانیم

چهارم بهمن، ضرورت يك بازنگری

از صفحه ۱۰ مجلد

گامهای نویسی را با گفتن از موانع به جلو برداریم. اجتناباً باز اصرار به واقعیات در واقع امر بازتاب تیر را از حقیقت است. گریز از این حقایق بود که حتی بعد از فاجعه، نهرومهای باقیمانده را به تجزیه کسانها در چند واقعات سرخست برخی از نیروها را واداشت تا به پاره‌ای از واقعات اعتراف کنند. (گزارش‌هایی - تشکیلاتی کمیته اجرائی بهرامون گذشته سازمان، علت فاجعه و اینکه اختلافات اساسی تشکیلاتی بوده و بوروکراتیسم در رهبری سازمان حاکم بوده است و با اعترافات همه اقلیت بهرامون همین موضوع) اما گریز از اعتراف به تمامی حقایق حتی در بُعد جنائی قضیه چیزی بجز انکار سابقای جان سخت تفکرات کتاریستی گذشته نیست. واقعیاتی که برای همگان آشکار بود و جریانات سیاسی حرکت کننده در کمیون تحقیق علی رغم تمامی اختلافاتی که در ریشه‌یابی داشتند بسط دیدگاههای گوناگونی مبتنی بود، اما در مورد وقوع فاجعه اتفاق نظر داشتند.

لیکن همان تفکراتی که دیروز همه چیز را در محفوظات معنی خود جستجو می کرد و نه بر اساس واقعیات عینی جامعه، امروز نیز بر تخیل رادبو تأکید می کند تا قداست خود را به اثبات برساند. بی‌خبر از آنکه، هنگامی قداست جایگاه خود را باز می باید که به نقد بهرحمانه خود بنشینیم و با عبرت گیری از اشتباهات و انحرافات گذشته، حرکت نویسی را آغاز نمائیم. از همین رو ما در کنفرانس دوم سازمان طی قیامنامه‌ای به فاجعه چهارم بهمن و علت بروز آن برخورد نمودیم و نقش خودمان را در آن

است. فاجعه چهارم بهمن نه محصول اشتباهات ناشی از مسیحات فردی بلکه تقابل بوروکراتیسم لبرالیسم و محفلیم بود که عمدتاً در اشکال آنارشیستی در عرصه‌های گوناگون خود را نمایان می ساخت. چهارم بهمن آشکارترین شک این آنارشیسم بود. در پی حاکمیت بوروکراسی در رهبری سازمان، محفلیم و باند بازی و مرج و مرج در بخشهای مختلف تشکیلات به اوج خود رسید. حتی هنگامیکه مثلاً مبارزه ایدئولوژیک بسیار روشن شدن اختلافات مارج گردید، هر چند در کلیت خود عین کارمندی و تفکرات متحر ماقبل حزبی را به نقد کشید اما علی رغم آن نتوانست مجرای اصولی خود را بیابد و عمدتاً به جای نقد انحرافات حاکم، به نقد حیثیات افراد مبدل شد و منتسب کردن همدیگر به انواع و اقسام گرایشات، راه مبارزه ایدئولوژیک عالم را محدود ساخت و در کنار خود محفلیم و باند بازی را اشاعه داد. در این رابطه هر چند کمیته مرکزی نقش اساسی بر عهده داشت و بوروکراتیسم حاکم بر آن امکان هرگونه فنای الیم و رفیقانه را سد می نمود، ولی هرگز نمی توان نقد نقدها مقابل را از نظر دور داشت.

آنچه که امروز در بر میورد با چهارم بهمن حائز اهمیت است و نقد گذشته و اشتراکات نقش است که در تکوین آن داشتیم. تنها از این زاویه قابل بررسی می باشد. باید با ساحت نقیسه مناسبات جدید را مابعد ریزه کنیم که بر بستر آن نه تنها سرود هر گونه گرایشات ماقبل حزبی امکان پذیر نباشد، بلکه با نفس مناسبات گذشته در پیوند با افقه

تاریخ در عرصه کسب و کار و...
در لیدر افلیک...
بدون پایان دادن به این راستی
نمی توانیم نفسی اساسی در...
کارگزار و انتهای اسرار...
نمائیم.

جاودلن باد یاد و خاطره

از صفحه ۴ بر شکوه رفقا...
مانده است.

دومین کنفرانس سازمان مکانسی بود که جای حالی رفقا بر تمام فضای آن سنگینی می کرد. حرمت جایگاه خالیشان در کنفرانس دوم سازمان را حضور فعال و خلق رفقا در کنفرانس بهمن کنفرانس خرداد ماه و نقش مباحث و نظرات آنان در تسخیر مباحث و منی سازمان تشدید می کرد.

گرچه رفقا امور و معارفی مرفی نگردیدند در کنفرانس که پیش از یکسال و نیم بحال بر برگزاری آن تلقین نمودند، حضور یابند، اما امروز با قاطعیت میتوانیم بگوییم که کنفرانس دوم سازمان راه را در برابر فعالتهای ما باز گشود که رفقا در طول حیات مبارزاتی خود از مروجین و مبلغین گام کنارند جدی در آن بودند. این موضوع را از انبلیای منضمون نظرات سیاسی رفقا و منویات دومین کنفرانس سازمان در اساس ترین موضوعات مبارزه طبقاتی به روشنی نشان می دهد. بزرگترین قدرانی از تلاش برای رفقا و عزیزه‌های گمان تأثیر بیشتر برای به انجام رساندن و مابعد نیمه تمام آنهاست. چرا که موفقیات و الاذ آنان در جنبش نمونسی قبل از هر چیز بر آرمانهای آنها، و مابعد سنگینان در نیت انقلاب و طبقه کارگر و زحمتکشار نهفته است. ما ضمن ساداری از ارزشهای نهفته در فعالیت کمونیستی رفقا در زیر گوشه‌هایی از رویه زندگی مبارزاتی آنها استمداد فرگشتن جایگاه آنان

گسترش روز افزون گرانی و فقر در رژیم جمهوری اسلامی

زمانی که با انواع و اقسام سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه خلق کرد گره می‌خورد، بار فقر و فلاکت عمومی در سراسر ایران را بر دوش خلق کرد و هرچند گنگن تر و طاقت فرساتر می‌کند؛

توب و خمپاره باران شهرها و روستاهای کردستان، پورش‌های بی‌ترپی و تمرکز نیروی وسیع برای سرکوب جنبش انقلابی، از پسین بردن و به آتش کشیدن محصولات مزارع و منابع درآمد ناچیز اکثریت اهالی روستاها به همراه محاصره اقتصادی اولانی مردم کردستان از سوی جمهوری اسلامی، همه و همه سیاست‌هایی هستند که جمهوری اسلامی در طول حاکمیت‌سپاه خود علیه خلق کرد و برای مقابله با مبارزات آن به موازات سرکوب و کشتار در سراسر کردستان در پیش گرفته است.

امروز دیگر سالهاست که مردم کردستان، تنها مورد پورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و غارت و چپاول آنها نیستند. بلکه در سرتاسر مناهل مرزی، از رهگذار جنگ ارتجاعی بیشترین لطافات مالی و جانی را متحمل گشته و شر لطفه در سرتاسر بمباران و کشتار قرار دارنده آوارگی و بی‌خانمانی ناشی از جنگ‌به همراه سیاست کج اجباری رژیم که در بسیاری از مناطق کردستان به مورد اجرا گذاشته می‌شود، قبل از همه تأثیرات خود را در تنزل سطح زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش کردستان، افزایش هرچه بیشتر بیکاران، آشکار می‌سازد. وجود

جمعیت عظیمی از بیکاران و کسانی که به دنبال لقمه نانی به سوی شهرهای کردستان سرازیر می‌شوند، در شرایط کنونی جمعیت انبوهی از بیکاران را متراکم می‌کنند و خود این واقعیت از یک سو تشدید استثمار و بائین آمدن سطح دستمزدها را برای کارگران به دنبال می‌آورد، از سوی دیگر به ایجاد مشکلاتی کاذبی از قبیل دستفروشی و گرفتار آمدن در تورز گسترده بازارهای سیاه سراسری و تحت‌هدایت خود سردساران رژیم را می‌انجامد، که خود بیش از همه به ابعاد فقر و فلاکت عمومی دامن می‌زند.

گرانی سرسام آور مایحتاج عمومی، و افزایش نجومی قیمت‌های اجناس مورد نیاز توده‌ها نیز شرایط بحرانی کنونی، در شرایطی که جمهوری اسلامی تمامی منابع درآمد کشور را در حلقوم جنگ می‌ریزد و به انواع و اقسام وسائیل اندک دسترنج توده‌های کارگر و زحمتکش را نیز از چنگ‌شان بیرون می‌کند، چیزی است که در طول سه سال حاکمیت جمهوری اسلامی، هر روز بر دامنه آن افزوده گشته است.

اما علت گرانی، و فقر و فلاکت توده‌ها را تنها این سیاست‌ها نیست. سیاست رژیم توجیح نمی‌دهد. جنگ و سرکوب، ابعاد این فقر و فلاکت را طاقت فرساتر می‌کند. سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم در کردستان و اقدامات ارتجاعی آن در محاصره اقتصادی مردم کردستان، بار فقر و گرانی را هرچه بیشتر افزایش می‌دهد. ولی هیچکدام از اینها

عامل وجودی فقر و فلاکت نیستند، بلکه عامل تدرید کننده آن هستند. جنگ و سرکوب و کشتار، همه اینها ابزارهای جمهوری اسلامی برای تضعیف وضعیت فلاکت‌ناگونی پرکارگران و زحمتکشان مستعد، علت اصلی فقر و فلاکت را باید در همان‌جا جست، باید این همه خانه خرابی توده‌ها را با آن عاملی توجیح داد که براد حفظ این وضعیت مرگبار به هر وسیله ممکن دست‌ها می‌بازد.

وقتی روزانه میلیاردی تومان صرف هزینه‌های جنگ و سرکوب می‌شود، زمانی که تنها در کردستان بیش از دو هزار مرکز سرکوب بزرگ و کوچک ایجاد می‌شود و هزینه عسکریت‌آمیز این نیروی سرکوب و سیخ از قوی کارگران و زحمتکشان به زور سربیزه، بیرون کشیده می‌شود، وقتی صدها هزار نفر در جبهه و پشت‌جبهه جنگ با صرف میلیاردها تومان به سوی مرگ و نیستی گیل می‌شوند، بمر روشن است که نه تنها تأمین مایحتاج اولیه توده‌ها امکان پذیر نیست، بلکه به مراتب بیشتر از آن نیز جامعه ما تولید می‌کند. اما حاصل این رنج و کار، از سوی سرمایه‌داران و دولت آنها صرف هزینه‌های جنگ و کشتار و سرکوب خود توده‌هایی می‌شود که حاضر به گردن نیادن بر حاکمیت سپاه و غارتگرانه سرمایه‌داران نیستند. بهبود نیست که در طول تعال گذشته هر روز بیشتر از روز پیش تمامی منابع ثروت جامعه به حلقوم ماشین جنگ و سرکوب جمهوری اسلامی سرازیر شده است و خریداران اقتصادی جامعه به سوی تأمین مخرب‌ترین سلاخ‌ها و اشیاء مخوفترین نیروهای سرکوب قرون وسطانی سوق داده شده است. بهبود نیست که در کردستان کمتر خانه و

گسترش روز افزون گرانی و فقر در رژیم جمهوری اسلامی

مزرعه و کارخانهای پیدایش شد که عدالت و خیاره جمهوری اسلامی واقع نشده باشد و کمتر خانواده کارگر و زحمتکشی پیدا می شود که مورد تعزیر و کشتار مزدوران این رژیم قرار نگرفته باشد.

تخصیص نقر و فلاکت بر توده ها نیز یک روند سکه سیاست سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی این رژیم هر سرمایه داران است.

اما امروز ابعاد این فقر و فلاکت عمومی تا بدان حد گسترش یافته است، تا بدان حد اعتراضات عمومی، توده ها را علیه این همه سرکوب و کشتار برانگیخته است که خود جمهوری اسلامی را نیز نه تنها به اعتراف بر وجود گرانی سرسام آور، مایحتاج عمومی وادار نموده است، بلکه به مرافات مبارزه با گرانی فروشی نیز انداخته است.

گرنگی و فقر و بیکاری محصول اجتناب نابذیر حاکمیت نظام سرمایه داری و بحران و ورشکستگی آن هستند. سرمایه دار فقط بر آن مناسباتی استوار است که یک سوی آنها فقر و خانه خرابی روز افزون اکثریت عظیم توده ها و تبدیل آنها به کارگران تنگدست من بعد که هیچ مایملکی جز نیروی کار خود برای عرضه به سرمایه داران در مقابل نماند بخور و نمیر ندارند و بر طرف دیگر این مناسبات سرمایه داری قرار دارند که با تماحب و مایل تولید و تبادلی ثروت های اجتماعی با اعمال قسوه قهری سرکوب، اکثریت عظیم جامعه را به تحمل ناقت فرساینده ترین شرایط استثمار وادار می سازند. واقعیت گسترش روز افزون گرانی و فقر را بی بند و باری سرمایه داران در غارت بیشتر لسترنج ایقه کارگروه و سرشکن نمودن هزینه های سرسام آور جنگ و سرکوب سرمایه داران بر دوش توده های کارگر و زحمتکش توضیح می دهد.

اما ابعاد غارت اندک لسترنج توده ها در شرایط بحرانی، به اندازه مختلف هرچه بیشتر گسترش می یابد و خود دستگاه عریض و لوویل دولتی بورژوازی با تمامی خدم و حشم رنگارنگ آن، به عامل تشدید هرچه بیشتر این غارت مبدل می شود و سر و سات خود را از طریق بلعیدن آخرین رمت توده ها، تأمین می کند. گسترش سرطانی عیدک های بازار سیاه در حاکمیت جمهوری اسلامی از سوی ارگانهای رنگارنگ آن جلوه بارز این واقعیت است.

امروز بازارهای سیاه توزیع مایحتاج عمومی توده ها، کسبه مستقیماً از سوی سران جمهوری اسلامی عداوت می شوند، تنها از طریق شبکه های مساجد، تکایا و ارگانهای رنگارنگ جمهوری اسلامی است که پنگال خود را اینچنین تا اعماق رگ و پی جامعه فرو کرده اند و مثل زالوئی آخرین رزم خون کارگران و زحمتکشان کشور را می مکند. عید دولت خمیره، اسلامی نیز با اعلام قیمت های دوگانه برای کالاهای مورد نیاز توده ها، آخرین مجوز را برای گسترش این عسوه غارت سرمایه داران حامی خود صادر نموده است.

اما اگر دیگر نقاب ایسران تاکنون اقدامات ارگانهای سرکوب رژیم در گسترش بازارهای سیاه تحت انواع پوشش ها صورت می گرفت در کردستان، توزیع مایحتاج عمومی مدتها است که توسط ارگانهای سرکوب رژیم و به هر راهی که خود اراده کنند، صورت می گیرد و در حقیقت خود توزیع مایحتاج عمومی توده ها، تاکنون در کردستان به عنوان عامل فناری بر توده ها، از سوی مزدوران رژیم بکار گرفته می شود.

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که تا جمهوری اسلامی هست جنگ و سرکوب، بیکاری و آوارگی

نیز وجود قواعد ثابت، هر روز بیشتر از روز بی زندگی توده ها در معرفی بورژوازی و انباشت مائیت ناشی از حاکمیت این رژیم ارتجاعی تبار خواهد داشت. فلاکت حاکم بر جامعه سر ابعاد هر چه گسترده تری خواهد یافت. تنها راه پایان دادن به فقر عمومی، به گرانی مایحتاج اولیه زندگی توده ها، و تمامی عوامل تشدید کننده آن از قبیل جنگ و آوارگی، تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم همار سرمایه داران است و می توان و باید توده ها را حول مبارزه با گرانی و شامل آن سازمان داد.

اعتراضات پراکنده علیه گرانی، علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم در فضیلاکت نشانیدن توده ها از طریق کوچ آبپاری، تخصیص قیمت های سرسام آور بازار سیاه، بتانسیل آنها دارند که به مبارزه هنگامی علیه وضعیت فلاکتبار حاکم مبدل شوند، باید با دامن زدن به ابتکار عمل توده ها در مقابل با تحمیلات رژیم و سرمایه داران حامی آن به هر وسیله ممکن به مقابله برخاست، و با سازماندهی تعاونی های مصرف در کارخانه ها، محلات روستاها و عرکجا که امکان تجمع کارگران و زحمتکشان وجود دارد، به جنگ با گرانی شتافت، و در جریان همین تجمعات نیز، علل واقعی گرانی را باز شکافت و به مبارزات توده ها مست و سو بخشید.

هر اقدامی در این زمینه اگر چه یک اقدام موقتی است و تنها به پشتیبانی هرچه بیشتری از توده ها از چنین اقداماتی می تواند تریمن موفقیت برده، اگر چه هیچکدام از این اقدامات از قبیل، ایجاد و کنترل تعاونی های مصرف توسط خود توده ها قادر به محور گرانی نیست، بلکه تنها می تواند سر مسودی سرسام آور آنها کندتر ساخته، از باز فشار بیش از حد آن بکاهد، اما خود انجام اقداماتی، در جریان

بیت المقدس ۲

از صفحه ۲

یا شکست

فتوحات کویلا

تبدیل نموده است. اپوزیسیون
کردستان عراق مناسبترین وسیله
بر دست جمهوری اسلامی برای تحقق
این اهداف می باشد. تلاش برای
متحد نمودن اپوزیسیون کردستان
عراق با جریانات ارتجاعی اسلامی
مکمل عملیات مشترک نیروهای رژیم
بر مرزهای کردستان به میزراه
اپوزیسیون عراقی می باشد. همین
عملیات و نقش این اپوزیسیون در
تحولات سیاسی و وضعیت کنونی
عراق، بیش از آنکه بر آورده کننده
اهداف نظامی رژیم جمهوری اسلامی
باشد، تأمین کننده منافع سیاسی
آن در یک توازن جدید تحولات سیاسی
امیریا ایستی برای یافتن راه حیل
مطلوب امیریا ایستی در این جنگ
می باشد. تثبیت بی ثباتی سیاسی
رژیم عراق و مخاطرات بعدی آن در
محاسبات امیریا ایستی، هدف عمده
رژیم از تحرکات نظامی و عملیات
جنگی در مرزهای کردستان است.

تثبیت این موضوع امتحان ز
اساسی در دسترسمندان ارتجاع
در فرمولبندی صلح امیریا ایستی
برای این جنگ طولانی است. اگر
کسب این امتیازات اساسی انتخاب
این استراتژی نظامی را در شرایط
کنونی جنگ از سوی جمهوری اسلامی
توضیح می دهد، دلایل دیگری نیز
وجود دارد که مکمل این انتخاب
است. تمرکز جنگ بر روی جبهه های
کردستان با توجه به کوهستانی
بودن این مناطق و حضور بالفعل
اپوزیسیون عراقی مستلزم صرف انرژی
بمراعات کمتری در زمینه های اقتصادی
و نظامی و بکارگیری نیروی انسانی
کمتری خواهد بود. با توجه به
اینکه نیروهای مبارک کننده در این
تهاجمات عمدتاً از مزدوران سیاه
انتخاب می شوند، حضور آنها در
مناطق تحت نفوذ اپوزیسیون عراق
امر آموزی این ارگان ضد خلقی را
سهل نموده و شناسایی آنان را از

موقعیت جغرافیایی و اجتماع
کردستان جهت اهداف ضد انقلابی
آتی رژیم هوار می نماید.
از سوی دیگر مجاورت مناطق
تحت نفوذ اپوزیسیون عراقی در نزدیکی
تأسیسات استراتژیک عراق از قبیل
منابع نفت و تأسیسات آب و برق و خط
بالقوه و جدی ای برای رژیم عراق
محبوب میگردند. کسب این رژیم جمهوری
اسلامی به این مناطق تحت چنین شرایط
سهل الوصولی میتواند تنها موفقیت
سالها اخیر به حساب آید. موفقیتی
که تنها کاربرد آن همانگونه که
قبلاً گفتیم کسب اندک امتیازاتی
در معاملات صلح می باشد. امری که
رژیم در تهاجم اخیر خود موفق
به کسب آن نگردد. تمام این عوامل
علاوه بر هدف اولیه رژیم جمهوری اسلامی
از کناندن ثقل جنگ ارتجاعی به
کردستان و مهلتاریزه نمودن بیشتر
آن و سرکوب این کانون مستعمل
و سنگسرخ انقلاب
ایران است.

از صفحه ۸

صندوقهای مالی و نقش آن در مبارزات کارگران

و محلات کارگری ایجاد نمایند. حال
چگونگی تشکیل آن در هر کدام از
کانونهای کارگری اشکال متفاوتی
یخود می گیرد، اما همواره به یک
مضمون مبارزاتی معینی را به پیش
می برد.

تشکیل صندوقهای مالی در مناطق
کارگر نشین از این جنبه نیز مورد
تأکید ترار میگردد که زمینه های
عینی مناسبی برای تشکیل آنها
وجود دارد. زهره کارخانه و کارگاه
که کلیه کارگران زیر یک سقف
کار کنند، شیوه تولید اجتماعی
خود عاملی برای نزدیک نمودن کار
به یکدیگر است. اما در مناطق

کارگری با کارگران منفرد روبه رو
هستیم که تنها فروش نیروی کارشان
آنان را به این مناطق کثافت
است. صندوقهای مالی که در مناطق
کارگری تشکیل می گردند، علاوه بر اینکه
روحیه انفرادمنشی را در آنان
تقلیل می دهد و تعاون و همکاری
را ارتقا می دهد، باید سعی کنند
که خواستهای خود را بر رژیم
جمهوری اسلامی تحمیل نمایند. مثلاً
در یک منطقه کارگری که از آب و برق
و درمانگاه خبری نیست، کارگرانی
که عضو صندوقهای مالی هستند باید
برای تأمین نیازمندیهای خود
بیشترم شوند و بدین ترتیب سعی
کنند، کارگران غیر عضو را به
مبارزه متحد بکشانند. اگر همین
حرکت بدرستی رهبری و هدایت شود
می تواند به اهداف دیگری همچون
بیمه بیکاری، تأمین خواربار
مورد نیاز یا قیمتهای مناسب،
مبارزه با تمامی تعدیات اقتصادی
و مبارزه و مقاومت در مقابل اعزام به
جبهه های جنگ ارتجاعی نایل گردند.
باید در نظر داشت که طبقه

کارگر در روند مبارزاتی خود
هر گامی که به جلو بر میدارد هر
اندک ستاوردی که بدست می آورد
قابل اغماض نیست، هیچگاه نباید
از آن چشم پوشی نمود و از درجه
اهمیت آن کاست. هر حرکت بیروزمند
و هر ستاورد مبارزاتی جایگاه ویژه
خود را دارد و از درجه اعتبار
معینی در ارزیابی جنبش کارگری
برخوردار است. کارگران باید
در عین با اهمیت انگاشتستن
کم اهمیت ترین ستاورد خود، آنرا
بمثابه یکی از سنگرها و فتح شده
در جنگ با سرمایه قلمداد نمایند
و در صد گسترش آن از محسوده
سنگری سرتشده باشند.



متن پیام کومه له به کمانی کوردستان - تهران *

به هاسی سدره غویی بو هاوری بانی سازمانی جریکها
نیغایی به کانی گهلی تهران به بونهی گبان بهعت کردنی
هاوری بان کاک " نه نومی مه حمودی " و کاک " مته فای
زارعنه ند " .

هاوری بان !

گبان بهعت کردنی ناخ هینه ری هاوری بانی خدایا تکار و
شورشگیر کاک " نه نومی " و کاک " مته فای " به راستی
بوه هوی داخ و کسری زورمان " رون و تادکرا به کسه
له دس نانی دو هاوری ی خدایا تکار و هک کاک " نه نومی " و
کاک " مته فای " که له روت و گهردی خدایا به عت
و خوبناوی ساله کانی را بردورا چارزا بون و بهرورده بیون
و وهک بهینه تکی جهنگا و هری کومه لانی خه لک . له ری سزی
بزوتنه وهی شورشگیرانه را جیگای خوبان کرد بوه وه ، بو
کومه لانی کریکار و زه حمه تکیش و بزوتنه وهی شورشگیرانه ی
تهران زبان و خساریکی کاریگر و بهرچا وه .

بم بونه وه و برای دهر برینی خهم و بهزاره ی قولمان
و هاوبعی کردنی خهمی له دس نانی دو هاوری ی خدایا تکار
و کمونست ، له کانگای دلوه سه ره خوشیتان لی شه که بین
و هیوانارو دلنبا عین که به خیلگیری کمونستی ها نسسه
له دهر بیژنه ان به خدایا و نریژه ی ریگای بیروزی گبان بهعت
کردوانی ریگای ، نا زادی و سه ره خوبی و سوسیا لیسم و نا عتی و
پرکردنه وه . جیگای جولی هاوری بانی شه هیده ، یاد و نا و
و بهروره . هاوری بان کاک " نه نومی " و کاک " مته فای " .
و هه مو هاوری گبان بهعت کردنه کان بو هه تا هه تا به
زیندو راه گیرین . چونکه بروای قولمان وابه که خوبنی
سور و گمنی شه هیده پایه بهرز و بهرینکا نمان دست بهری
سهرکه و تنی شوری کریکاران و زحمه تکیشانه و هه
جهنا بهت و خوبتریزی و خوهری گهر بیک ناتوانی بورژوازی
بهک که ونیو دامار و قهبران لی ترا و له نمان و تبا چونسی
سوگر دهر بازیکات و بروای قول و وبت و شه راده ی
بولابین و بتهوی خدایا تکار ان و شورشگیرانی کمونست
لهق بکات .

سهرکه و تن هدر بو شه هیده ، بورژوازی به هه مو نا کاریکی
سته مگرانه و جهنا بهت کارانه به وه له گور شه بین و نا
سوری سهرکه و تن که ره مزونیشانی خوبنی گبان به خه
کردنه کانمانه ، له سهرکه لاوه ی کوشکی تیک ته بهوی بیجه
بورژوازی شه شه که بیننه وه .

کومه له به کمانی کوردستان - تهران

۱۳۶۶/۲/۲۲

شهادت رفقا انور ، حمودی و
سرافی زارعمند موجی از تأسف و تألم
در میان نبروها و جریانات کمونست
و انقلابی و توده های زحمتکشی که
از نزدیک رفقا را می شناختند
برانگیخت . بسیاری از نبروهای
انقلابی و شخصیت های سیاسی و مبارز
با ارسال نامه و پیام و با حضور
در مراسم خاکسپاری و یادبود
رفقا با ما ابراز همدردی نمودند .
از اینکه موفق شدیم جداگانه به
بیکایک آنها باخ گوئیم به
می طلبیم . بدینوسیله از نبروهای
انقلابی و شخصیت های سیاسی ، دوستان
و رفقای که در این زمینه به
اشکال مختلف با ما همدردی نمودند
سازگناری می نمائیم .
کمیته کردستان
سازمان جریکهای فدایی خلق ایران

متن پیام کمیته کردستان سازمان کارگران
انقلابی ایران (راه کارگر)

کمیته کردستان سازمان جریکهای فدایی خلق ایران
با درودهای انقلابی !
رفقای گرامی ، خیر تأسف بار شهادت دو تن از
رفقایان ما را با اندوه و روبرو ساخت .
بدینوسیله مراتب تأثر و تألم عمیق خاطرمان از بابت
شهادت رفقای عزیزتان کاک " انور " و کاک " مصطفی " .
را عرض میداریم .
ما به خوبی اهمیت از دست دادن این رفقا را بخوبی
در شرایط کنونی سازمان شما درک می کنیم .
امیدواریم رفقا بتوانند جای خالی رفقای شهید
را پر کرده ، و تالیف نیمه تمام آنان را با قدرت
به انجام برسانند .
لذا مراتب تسلیت ما را به تمامی رفقای سازمانتان
برسانید .
درود بی پایان بر خاله تابناک رفقای شهید کاک انور و کاک
سرافی !

زنده باد آزادی !
سازمان انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته کردستان

۶۶/۲/۲۲

لنین

شعری جانم از روزهای مبارک و بسکی

و از آب نورد خویش
جلسک های زولیده و
زنجابه های لیز و لزج را
فرو می زدائیم.

من
رو سوی لنین می آورم
تا این همه را از خود سزدائیم،
تا بادیان برگشایم
با انقلاب.
از بیت بیت مرثیه های مرسوم
هراسانم.
چندان که بسرگی هراسان است
از دروغ و از سراب؛
مرثیه هائی که
به سرری
فره ای فرا می آورند
گرداگرد هر سری.
سخت نکوهیده می شمارم
این را
که هاله ای از اینگونه شعر پرورده
فرو بوشاند
پیشانیی رأستین لنین را -
انسانی و گسترده.

تشریفات،
آرامگاه باشکوه،
و راه پیمایشی مردم،
جریانهای مواج و انبوه ...
ایم آن دارم
که در بخور عبیر آمیز تنظیم و تحلیل
نادگیی ذاتی لنین
ندیده نباید.
اندیشه مرگ نیز
از این بیشم
بر خویش نمی لوزاند
که مبادا
رنگارنگی آرا به ها و پیرا به ها
لنین را
دگرگونه نماید.
بسرای!
- دلم،
به فرمان وظیفه،
می فرماید.

شگام رسیده است.
می آغازم
داستان لنین را؛
سه از آن رو
که اندوه
کاهش پذیرفته است؛
بل از آن رو
که روح برکنج آن لحظه
کل دردی روشن،
سحده و دانسته،
به خود گرفته است.

رمان!
شباب گرو، توفنده،
شماره های لنین را در همه سو بگستران!
در انک غرقه کردن
هر پیشامدهای را؟!
- نه! این نیست کار ما.

محکمی
به جهان
زنده تر از لنین نیست؛
پشروی ما،
خرد ما،
استوارترین جنگ افزار ما.

مردم
زورق های بند،
اگرچه سر خشکی.
آنگاه که زندگانی
توفانیست خشن،
می چسبند

بر جداره آب نورد ما
هرگونه خزف
از دیواره صخره ها و
از بیستر شن.

اما،
چون
می گزند،
از کفاب دیوانه توفان برمی آئیم،
در آفتاب می نشینیم،
یکچند،



یاد و خاطره شهیدای ۲۳ بهمن ، در درفش خونین سازمان ،
در رزم جنبش کمونیستی ایران و در عزم خلل ناپذیر
کارگران و زحمتکشان کردستان جاودانه است !

بگذار تا برآید ستاره دلخیز
بهرانه وار بگذرد از کپکشان خون

خون شعله ور شود

بگذار باغ خون

بر خاک تیر باران

بر بر شود

بگذار بنر تیر

چون جنگلی برود در آفتاب خون

فریادگر شود

این بنرها بر خاک نمی ماند ...

از قلب خاک می شکند ،

چون بری

روی فلات می گذرد

چون رعد

خون است

ماندگار است !

گرامی یاد خاطره تابناک شهیدای
بهمن ماه کردستان
رفقای فدائیی :

- ۱- معبود رحمتی
- ۲- علی نوذری
- ۳- حسن محمدپور
- ۴- ابراهیم کردی (شریف)
- ۵- مراد میرزایی (حیدر)
- ۶- سعید بزدانی (غاهو)
- ۷- حسن رئانی (جعفر)
- ۸- بهنام قائم زاده رشیدی (شهرام)
- ۹- فریدون یانداوی
- ۱۰- اسماعیل برزگر
- ۱۱- محمود امین زاده
- ۱۲- فاطمه محمدی
- ۱۳- احمد محمدی
- ۱۴- سید رشیدی (وریا)
- ۱۵- سعادت محمدی (مادی)
- ۱۶- کاوه
- ۱۷- اکبر
- ۱۸- حسن
- ۱۹- رضا کبیر کیکاووس فردی
(عباسی پرولتاریست)

من گمردم - و در نهایت فقر
و درماندگی برای کوبیدن نفت و پسا
جهت گرفتن يك گالن ۲۰ لیتری سرخت
ساعتها در مقابل مراکز نفت صف
بکشند . این درحالی است که جمهوری
اسلامی سالها فقط يك میلپسون
بشکه نفت رایگان در اختیار رژیم
ارتجاعی سوریه قرار می دهد تا
بر سیاستهای جنگی و ضد انقلابی این
در مجامع بین المللی محاسبه
بگذارد و با جهت تأمین مخارج
جنگی این ، تمامی ثروتهای اجتماعی
کشورمان را به نازلترین قیمتها
به تاراج امیربالیستها می گذارد .

زندگی کارگران و زحمتکشان
کشورمان در سایه حکومت جمهوری
اسلامی ، معنایی جز فقر و فلاکت
آوارگی و بی خانمانی ندارد ، زندگی
در جمهوری اسلامی یعنی جنگ و گرسنگی
کشتار و ترسوری ، برای پایان
دادن به این وضعیت فلاکتبار باید
بیایست . متحد شویم و رژیم جمهور
اسلامی را همراه با تمامی معائب
آن به گور بپاریم .

کمبود نفت و سایر مواد سوختی در کردستان

با اینکه دو ماه از فصل
زمستان می گذرد ، کمبود نفت
همچنان یکی از معضلات مردم کردستان
است و با تشدید سرما کمبود سوخت
فشار بیشتری بر زحمتکشان وارد
بین آورد .

همه ساله با شروع فصل
زمستان ، سهمیه بندی نفت و سایر
مواد سوختی آغاز میشود . اما از
آنجا که سهمیه بندی دولتی
به هیچ وجه کفایت حداقل نیاز مصرفی
توده های زحمتکش جامعه را نمی دهد
مدام بر قیمت نفت و سایر مواد
سوختی به شکل رسمی افزوده میشود .
بنابراین مثال سهمیه بندی
دولتی برای هر خانواده ۳ نفری
۳۶ لیتر ، ۴ تا ۶ نفره ۵۴ لیتر و
۶ تا ۱۰ نفری ۷۲ لیتر نفت تعیین
شده است .

جمهوری اسلامی با ایجاد
بازار سیاه ، بجه غارت و چپال بی حد
و هر مردم مدام شدت می بخشد ،
و هر روز به بازار قاچاق کوبیدن
رونق بیشتری می دهد و با سرازیر
کردن کالاهای مصرفی به شبکه های
بازار سیاه بر قیمت کالاهای
مصرفی می افزاید .

کشور ما علی رغم اینکه بر روی
منابع غنی و سرشار از ثروت های
طلیهمی قرار گرفته است و بزرگترین
منابع زیرزمینی این را نفت و گاز
یعنی اساسی ترین مواد سوختی جامعه
ما تشکیل می دهد . اما از آنجا
که این ثروت های سرشار در خدمت
سرما به داران قرار گرفته است .
توده های زحمتکش همیشه در فقر و
سده روزی بر می برفند . کشوری که
بر روی تریای نفت خوابیده است ،
کشوری که بعضی اعظم مواد سوختی
و انرژی زای کشورهای امپریالیستی
را با قیمت نازل تأمین می کند ،
کارگران و زحمتکشان آن با فرا
رسیدن فصل سرما و یخبندان
زندگیان سخت بارتر از قبیل

گرامی باد

یادفدائی خلق
رفیق کبیر
کیکاووس درودی
(عباس پرولتار)



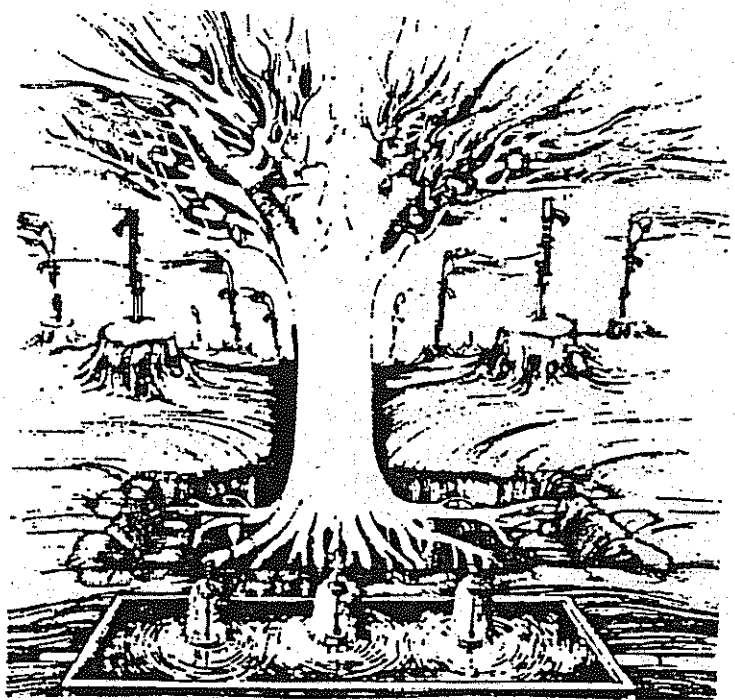
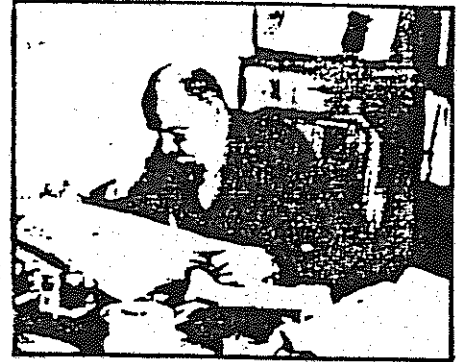
یاد عباس، یاد فداکاری و خصوصیات کمونیستی او در مبارزه علیه نظام استعماراته سرمایه و اراده بولادین! او برای استقرار نظم نوین است. تمام عباس تحقق آن اهدافی است که امروز کارگران و زحمتکشان برای دستیابی به آن به پیش می روند.

یاد آیین رهبر و سازما تگر کبیر پرولتاریا

در قلب

پرولتاریای سراسر جهان

زنده است!



هیجدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل

و

نهمین سالروز قیام شکوهمند کارگران و زحمتکشان

گرامی باد

رادیو

صدای فدائیان

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸ بعد از ظهر

و ۱۲٫۵ روز بعد

کارگران و زحمتکشان!
اعضاء و هواداران!
با آدرس زیر، با صدای فدائی مکاتبه کنید، اخبار و گزارشات خود را، با رعایت مسائل امنیتی برای صدای فدائی بفرستید.

R.F
POST FACH 126845
1000 BERLIN .12
WEST GERMANY

کمبود نفت و سایر مواد سوختی در کردستان

در صفحه ۱۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق